

## خبر



## چالش افزایش سالمندان در آسیا



افزایش سریع تعداد افراد سالمند به یکی از چالش‌های کشورهای شرق آسیا و منطقه اقیانوسیه از جمله مالزی تبدیل شده است. بانک جهانی در جدیدترین چشم‌انداز اقتصادی خود در خصوص شرق آسیا و منطقه اقیانوس اطلس اعلام کرد که گذار از پیری به سالخوردگی در این منطقه از هفت درصد کل جمعیت ۶۵ساله یا مسن‌تر به ۱۴درصد افزایش یافته است.

به استناد آمارها، جمعیت سالمندان مالزی به‌سرعت روبه‌رشد است و در سال ۲۰۳۵ مالزی به یک کشور پیر تبدیل می‌شود و جمعیت بالای ۶۰سال آن به ۱۵درصد جمعیت کل کشور خواهد رسید. بر اساس این گزارش، کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز در حال تبدیل‌شدن به جوامع سالخورده در سطوح بسیار پایین‌تر از هم‌تایان خود هستند.

همچنین پیری جمعیت ممکن است بر رشد اقتصادی از طریق کاهش سهم جمعیت در سن کار که معمولاً از ۱۵ تا ۶۴ سال تعریف می‌شود، تأثیرگذار باشد. مشکلاتی که به جمعیت در حال سالمندشدن مربوط است، می‌تواند بهبودی اقتصادی آسیا را از بحران مالی جهانی به‌ویژه پس از شیوع و پروس کرونا در این قاره دچار اشکال کند. به استناد آمارها، شمار افراد بالای ۶۰ سال در جمعیت آسیا تا سال ۲۰۵۰ چهار برابر خواهد شد و به ۱.۲میلیاردنفر خواهد رسید. این رقم تقریباً چهار برابر شمار شهروندان سالمند در مجموع آمریکا و اروپاست.

## هراس از کاهش زادوولد در ژاپن



فومیو کیشیدا، نخست‌وزیر ژاپن گفت که شش تا هفت سال آینده آخرین فرصت این کشور برای معکوس کردن کاهش طولانی‌مدت نرخ زادوولد خواهد بود. کیشیدا اعلام کرد: «در دهه ۲۰۳۰، جمعیت جوان ژاپن دو برابر نرخ فعلی کاهش خواهد یافت در نتیجه شش تا هفت سال آینده آخرین فرصت برای تغییر روند کاهشی نرخ زادوولد خواهد بود.» به گفته نخست‌وزیر ژاپن دولت قصد دارد تا پایان ماه مارس (فروردین ماه) پیش‌نویس سیاستی را با تمرکز بر سه حوزه اصلی افزایش درآمد جوانان، تغییر جامعه و گسترش حمایت از خانواده‌های دارای فرزند تهیه کند.

در راستای برنامه دولت ژاپن برای افزایش جمعیت، توکیو در نظر دارد تعداد مردان کارگر که از مرخصی پدری استفاده می‌کنند را تا سال ۲۰۲۵ به ۵۰درصد و تا سال ۲۰۳۰ به ۸۵درصد افزایش دهد. توکیو همچنین قصد دارد آستانه درآمد برای افراد تحت‌تکفل را که در حال حاضر ۱۰۰۶ میلیون ین (۸ هزار دلار) در سال است، لغو کند تا بار کارمندان پاره‌وقت را کاهش دهد. ژاپن در سال گذشته شاهد ۷۹۹هزار و ۷۰۰ تولد بود که ۴۳هزار تولد معادل پنج‌درصد کمتر از سال ۲۰۲۱ است. نرخ تولد در این کشور برای اولین‌بار از سال ۱۸۹۹ به‌زیر ۸۰۰هزارنفر رسید.

## سازمان ملل از بحران جهانی آب تا سال ۲۰۵۰ خبر می‌دهد

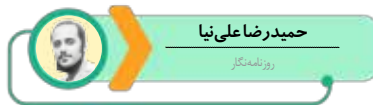
## تأثیر مایه حیات بر کاهش اشتغال

طبق گزارش سازمان ملل، پیش‌بینی می‌شود که دسترسی محدود به آب سالم تا سال ۲۰۵۰ تقریباً ۵میلیاردنفر در سراسر جهان را تحت تأثیر قرار دهد. این تأثیر بیشتر در جنوب صحرای آفریقا، خاورمیانه، بخش‌هایی از قاره آمریکا و استرالیا خواهد بود اما معنای بحران‌های آب و هوایی مربوط به آب، نقاط بسیار

بیشتری را در جهان درگیر خواهد کرد.

این موضوع، مفهومی فراتر از خشکسالی دارد که در مناطق فوق‌رخ داده یا خواهد داد. به عبارت دیگر وقوع سیل و

## گزارش



بر اساس شواهد باستان‌شناسی و تاریخی متعدد تقریباً در فاصله ۱۰ تا ۱۲ هزار سال پیش بود که انسان‌ها از دسته‌های پراکنده جمع‌آوری و شکار اولیه به شکل دیگری از تولید و زندگی روی آوردند. این شکل جدید کشاورزی بود که متأثر از عوامل مختلف ایجاد شد. در واقع هیچ عامل واحد یا ترکیبی از عوامل وجود نداشت که مردم را به سمت کشاورزی در نقاط مختلف جهان سوق دهد. به عنوان مثال تصور می‌شود در خاور نزدیک تغییرات آب‌وهوایی در پایان آخرین عصر یخبندان شرایط فصلی را به‌ارمغان آورد که موجب شد تا گیاهانی مانند غلات وحشی در یک‌سالگی و به‌طور متناوب محصول مناسبی دهند. یا به نظر می‌رسد در مناطق دیگر، مانند شرق آسیا، افزایش فشار بر منابع غذایی و از بین رفتن منابع پیشین به‌طور طبیعی انسان‌ها را مجبور به یافتن راه‌حل‌های تازه‌ای برای مشکل غذا کرده. علت هر چه که بود و تغییر هر شکلی که داشت به‌واسطه کشاورزی به‌وجود آمد. کشاورزی در جایی صورت می‌گیرد که منابع کافی آب وجود داشته باشد، به همین دلیل نخستین روستاها و بعد شهرها در کنار منابع آبی به‌وجود آمدند و آب موجب رونق شد.

به این ترتیب در کنار منابع عظیم آب بود که سبک زندگی، شکار و گردآوری که بشر از زمان تکامل اولیه خود دنبال می‌کرد، به نفع سکونتگاه‌های دائمی و تأمین غذا از منبع مطمئن کنار گذاشته شد. با کشاورزی شهرها و تمدن‌ها رشد کردند و از آنجا که محصولات و حیوانات اکنون می‌توانستند متناسب با نیازها تولید شوند، جمعیت جهان رشد کرد. تراکم جمعیت منجر به تقسیم کار و تقسیم کار منجر به ایجاد نیازها و به تبع آن تخصص‌های مختلف شد و تخصص‌های متنوع اشکال مختلفی از توسعه صنعتی را ایجاد کردند.

آب که تقریباً برای هر نوع فعالیت و تولیدی ضروری است، امروزه در وضعیت بحرانی قرار دارد. با این همه سازمان ملل برآورد می‌کند که در اقتصاد امروز جهان از هر چهار شغل، سه شغل مربوط به آب است و نتیجه پژوهش دیگری نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از نیروی کار جهان (حدود ۲میلیاردنفر) در بخش‌هایی فعالیت می‌کنند که شدیداً با آب مرتبط است.

## تأثیر بحران‌های آبی بر کشاورزی

خشکسالی می‌تواند به‌شدت بر تولیدات کشاورزی تأثیر بگذارد؛ امری که در نهایت منجر به از بین رفتن منابع غذایی و کاهش دسترسی به مواد غذایی و افزایش قیمت آن خواهد شد. این موضوع می‌تواند بر معیشت کشاورزان تأثیر بگذارد و باعث کاهش درآمد، بیکاری و افزایش فقر شود. بسیاری از کشورهای جنوب صحرای آفریقا که در برابر کمبود آب آسیب‌پذیرند و خشکسالی‌های مکرر را تجربه می‌کنند کشورهایی هستند که بخش مهمی از جمعیت آن‌ها در اقتصاد کشاورزی فعالند. خشکسالی در این مناطق می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر بهره‌وری کشاورزی داشته باشد و منجر به ناامنی غذایی و فقر در یکی از آسیب‌پذیرترین مناطق جهان شود. یک‌سوم خشکسالی‌های جهان در جنوب صحرای آفریقا رخ می‌دهد. در این میان دو کشور اتیوپی و کنیا یکی از بدترین خشکسالی‌های حداقل چهار دهه اخیر را تحمل می‌کنند.

بعد از خشکسالی، سیل بیشترین تأثیر را بر زندگی مردم در سراسر این قاره داشته است. سیل جدای از خشکسالی می‌تواند منجر به فرسایش و آسیب خاک، از بین رفتن محصولات کشاورزی و دام‌ها و نابودی کانال‌های آبرسانی، تأسیسات آبی و آلودگی محیطی ناشی از نشت مواد صنعتی به خاک شود که همگی می‌توانند منجر به نابودی کشاورزی در یک منطقه شوند. بیشترین آسیب ناشی از سیل در آفریقا در کشورهای کنیا، آفریقای جنوبی و موزامبیک رخ داده که ۷۵درصد از سیل و طوفان‌های منطقه را تجربه کرده‌اند. همچنین کشورهایی مانند چاد نیز به‌شدت تحت تأثیر باران‌های سیل‌آسا و سیل هستند

یکی دیگر از مناطق کشاورزی متأثر از خشکسالی در جنوب آسیا قرار دارد. کشاورزی در جنوب آسیا که یک منطقه کمتر توسعه‌یافته محسوب می‌شود به‌شدت به آبیاری وابسته است و کمبود آب می‌تواند منجر به کاهش عملکرد محصول و افزایش قیمت مواد غذایی شود. هند، پاکستان، بنگلادش و بخش‌هایی از افغانستان جزو مناطقی هستند که تحت تأثیر تغییرات اقلیمی و کمبود آب قرار گرفته‌اند.

خشکسالی در جنوب آسیا چالش‌های اساسی برای منابع آبی، کشاورزی و رشد اقتصادی-اجتماعی بیش از دومیلیارد نفر ایجاد کرده است. در افغانستان، کشاورزان با دومین سال خشکسالی ناشی از اقلیم روبه‌رو هستند که بدترین خشکسالی در دهه‌های اخیر است. حدود ۱۹ میلیون کشاورز متأثر از این خشکسالی‌ها قادر به برآوردن نیازهای خود نیستند. بخشی از این نابودی سیستم کشاورزی ناشی از طوفان‌ها و سیل‌های



بسیاری از صنایع برای فرایندهای تولید محصول خود به آب متکی هستند یا محصولات آن را به عنوان مواد اولیه مصرف می‌کنند که برای تولید آن‌ها به مقادیر زیادی آب نیاز است. به همین دلیل صنایع نیز می‌توانند تحت تأثیر کمبود آب قرار گیرند.

اخیر است که در پاکستان، افغانستان و بخش‌های دیگر جنوب آسیا رخ داده است. در سال ۲۰۲۰، طوفان استوایی امان (یکی از قوی‌ترین طوفان‌های تاکنون ثبت‌شده) نزدیک به ۵میلیون کشاورز را در سراسر هند و بنگلادش آواره کرد.

دو منطقه مهم دیگر که کشاورزی آن‌ها متأثر از بحران آب است، یکی منطقه خاورمیانه و دیگری ایالت کشاورزی کالیفرنیا در امریکاست. منطقه خاورمیانه که در نقطه‌ای خشک و نیمه‌خشک از جهان قرار گرفته همچون همسایه جغرافیایی خود یعنی آفریقا مدت‌هاست که در خطر خشکسالی و طوفان‌های سیل‌آسا قرار دارد. مسئله‌ای که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر کشاورزی داشته باشد، به‌ویژه در کشورهایی که کشاورزی منبع مهم اشتغال و درآمد مردم است. همچنین کالیفرنیا در ایالات متحده یک منطقه کشاورزی بزرگ است که در سال‌های اخیر کمبود آب در آن تبدیل به بحران شده است. در این منطقه خشکسالی می‌تواند منجر به کاهش محصول شود و در نتیجه تأثیر زیادی بر اقتصاد کشاورزی و اشتغال ایالت داشته باشد.

## تولیدات صنعتی و توریسیم

بسیاری از صنایع برای فرایندهای تولید محصول خود به آب متکی هستند یا محصولات آن را به عنوان مواد اولیه مصرف می‌کنند که برای تولید آن‌ها به مقادیر زیادی آب نیاز است. به همین دلیل صنایع نیز می‌توانند تحت تأثیر کمبود آب قرار گیرند. کمبود آب در صنایع می‌تواند منجر به کاهش بهره‌وری، کاهش سود و حتی تعدیل نیروی کار شود.

همچنین می‌تواند بر صنعت گردشگری تأثیر بگذارد. این تأثیر به‌ویژه در مناطقی بیشتر مشهود است که یکی از جاذبه‌های اصلی آن سواحل، دریاچه‌ها، و سایر فضاهای آبی است. خشکسالی منجر به از دست رفتن بخش مهمی از اشتغال در صنعت گردشگری می‌شود؛ مانند اشتغال کارکنان هتل، کارگران رستوران، راهنمایان توره‌های گردشگری و مردم محلی که از توریسیم امرار معاش می‌کنند.

بحران آب می‌تواند از چند طریق صنایع تولیدی را متأثر کند. به‌ویژه در مناطقی که آب یک ورودی حیاتی برای فرایندهای تولید است. برای مثال کاهش در دسترس بودن آب می‌تواند منجر به کاهش ظرفیت و بازده تولید شود. این مسئله بخصوص در صنایعی مانند صنایع نساجی و شیمیایی که به‌شدت وابسته به آب هستند افزایش هزینه‌های تولید را به همراه دارد؛ چرا که تولیدکننده مجبور خواهد شد تا به

**تغییر اشتغال و جریان‌های مهاجرتی**  
انطباق با وضعیت بحران آب خوانده‌خواه تأثیرات متنوعی بر ساختار اقتصادی مناطق متأثر از خشکسالی خواهد گذاشت. برای مثال ممکن است صنایع آب‌بر بخش مهمی از نیروی کار خود را از دست بدهند. نمونه این موضوع را می‌توان در استرالیا یافت؛ جایی که کمبود آب منجر به تغییر اشتغال از صنایع پر مصرف آبی همچون کشاورزی و معدن به سمت بخش خدمات شده است. این امر اگرچه اشتغال در یک بخش را نابود کرده اما فرصت‌هایی را برای کارگران دارای مهارت در زمینه‌هایی مانند مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و گردشگری ایجاد می‌کند. علاوه بر این، برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های دولتی می‌توانند تغییر اشتغال را جهت دهند. دولت استرالیا برنامه‌هایی را برای حمایت از کارگران در انتقال از صنایع آب‌بر به سایر بخش‌ها ترتیب داده، از جمله برنامه‌های آموزشی و خدمات کارپایی و تسهیلات مرتبط با تغییر شغل.

نمونه دیگر این تغییر جریان اشتغال، در کالیفرنای آمریکا رخ داده است. در این منطقه کمبود آب منجر به افزایش تقاضا برای کارگران با مهارت در مدیریت و حفاظت منابع آبی شد. این وضعیت فرصت‌هایی را برای مهندسان، تکنسین‌ها و سایر متخصصان با تخصص در فناوری‌ها و شیوه‌های کارآمدسازی آب ایجاد کرده است. در کالیفرنیا با شدید شدن کمبود آب، برخی از کشاورزان به سمت محصولات نیازمند آب کمتر روی آورده‌اند و یا فناوری‌های کم‌مصرف آب را به کار گرفته‌اند که باعث تغییر در انواع مشاغل و فرصت‌های شغلی موجود در بخش کشاورزی شده است.

به‌طور کلی، بحران‌های آب می‌توانند با ایجاد فرصت‌هایی در صنایع جدید و ترویج توسعه انواع شغل‌ها و فرصت‌های شغلی، انتقال نیروی کار از یک بخش به بخش دیگر را تحریک کنند. با این همه، این انتقال چالش‌برانگیز است، به‌ویژه برای کارگرانی که فاقد مهارت یا صلاحیت لازم در بخش‌های جدید هستند. به همین دلیل دولت‌ها و سایر ذی‌نفعان نقش مهمی در تغییر و برنامه‌ریزی در ایجاد گذار به انواع جدید اشتغال و ترویج توسعه بازارهای کار پایدار و عادلانه دارند.

نکته آخر درباره نقش بحران آب در مهاجرت‌ها و جابه‌جایی نیروی کار در سطح جهانی است. مطمئناً کمبود آب و بیکاری ناشی از آن نیروی کار ارزان و در دسترس‌تری را در نقاط بحران‌زده رها می‌کند که به راحتی در دسترس سایر مناطق قرار می‌گیرند. نباید فراموش کرد که مسئله کمبود آب خود منجر به ایجاد ناآرامی‌هایی در سطح مناطق می‌شود که جریان‌های مهاجرتی را تشدید می‌کند. برای نمونه در بسیاری از مناطق آفریقا کمبود آب منجر به ناآرامی نیروی کار شده است، به‌ویژه در صنعت معدن که در آن کمبود آب باعث از دست دادن شغل و کاهش تولید می‌شود. در برخی موارد، اعتراضات کارگری خشونت و ناآرامی‌های اجتماعی را در پی داشته که چالش‌های قابل توجهی را پیش‌روی دولت‌ها و صنایع جهان گذاشته است.